



**Women and Social-Political Activism:
An Analysis of the Representation of Women in the Series
"The English Briefcase" and "Lady of the Leader"**

Maryam Motaghi¹, Asmeh Ghasemi² , Tehmineh Shaverdi³ 

1. PhD student, Department of Social Sciences, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
maryammotaghi@pnu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran (Corresponding author).
asemeh.ghasemi@srbiau.ac.ir
3. Associate Professor, Research Department of Sociology, Research Institute of Social Sciences, Research Institute of Humanities and Social Studies, Jihad University, Tehran, Iran,
shaverdi@acecr.ac.ir

Abstract

Women, as half of the society's population, have significantly influenced society and politics through their social and political activism. Accordingly, the aim of the present research is to analyze the representation of women's social-political activism in two historical television series, "The English Briefcase" and "Lady of the Leader." These two selected series depict two important periods in the past century of Iranian history, in which women's roles are also highlighted. This study employs the Greimasian narrative analysis method. The findings indicate that in both series under examination, the social class of women is the most influential factor in their political and social actions, although the dominance of a patriarchal societal structure over women's agency is evident. While both series emphasize women's influence on politics, the role of men behind the scenes, both overtly and covertly, is also represented. The women depicted in these series have played significant roles in resisting foreign influence in critical moments of Iranian history through the use of their agency. However, in the series "Lady of the Leader," the agency of the series' historical character (Bibi Maryam) is more prominently and effectively portrayed in confronting the oppression and injustice imposed on the people by both domestic officials and external colonialists. Considering Bourdieu's concept of converting cultural capital into other forms of capital, particularly economic and social capital, the main female characters in both series, who were born and raised in upper-class families, had access to education and various skills, including learning the contemporary sciences of their time and even knowing a language other than Persian. Both characters, based on their familial status and the cultural and economic capital they possessed within their families, enjoyed a high social standing, which is clearly depicted in both series.

Keywords: Women, Greimasian Narrative Analysis, Social-Political Activism, Historical Series, "The English Briefcase" Series, "Lady of the Leader" Series.

Received: 2023/09/01 ; **Received in revised form:** 2023/10/04 ; **Accepted:** 2023/11/11 ; **Published online:** 2024/03/29

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://gnoe.bou.ac.ir/>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



زنان و کنشگری اجتماعی - سیاسی: تحلیلی بر بازنمایی زنان در سریال‌های «کیف انگلیسی» و «بانوی سردار»^۱

مریم منقی^۱، عاصمه قاسمی^۲، تهینه شاوردی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. maryammottaghi@pnu.ac.ir
۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول). aseme.ghasemi@srbiau.ac.ir
۳. دانشیار، گروه پژوهشی جامعه‌شناسی، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. shaverdi@acecr.ac.ir

چکیده

زنان همواره به عنوان نیمی از افراد تشکیل‌دهنده جامعه، با کنشگری اجتماعی و سیاسی خود در عرصه جامعه و سیاست، تاثیرگذاری قابل توجهی داشته‌اند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل بازنمایی کنشگری اجتماعی - سیاسی زنان در دو سریال تاریخی «کیف انگلیسی» و «بانوی سردار» است. دو سریال انتخاب شده روایتگر دو برهه مهم از تاریخ صد سال گذشته جامعه ایران هستند که نقش‌آفرینی زنان نیز در آن پررنگ است. در این پژوهش از روش تحلیل روایت گریماس استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در هر دو سریال مورد بررسی، طبقه اجتماعی زنان مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر کنش سیاسی و اجتماعی آنان بوده است، گرچه تسلط ساختار جامعه مردسالار بر عاملیت زنان مشهود است. اگرچه در هر دو سریال تاثیرگذاری زنان در امر سیاست برجسته‌سازی شده است، لیکن نقش مردان در پشت‌پرده به صورت آشکار و پنهان نیز بازنمایی می‌شود. زنان بازنمایی شده مورد بررسی در این سریال‌ها با به‌کارگیری عاملیت خود در مبارزه با بیگانگان در برهه‌هایی از تاریخ ایران نقش مهمی داشته‌اند. هرچند در سریال «بانوی سردار» عاملیت شخصیت تاریخی سریال (بی بی مریم) در تقابل با ظلم و ستم بر مردم توسط کارگزاران داخلی و استعمارگران بیرونی پررنگ‌تر، غالب‌تر و اثرگذارتر بوده است. با توجه به موضوع تبدیل سرمایه‌های فرهنگی به انواع دیگر سرمایه و مخصوصاً سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بورديو، شخصیت‌های زن اصلی در هر دو سریال از آنجایی که در خانواده‌هایی از طبقات بالای اجتماعی به دنیا آمده و رشد پیدا کرده‌اند، امکانات آموزشی و مهارت‌های مختلف داشته و یادگیری علوم زمان خودشان و حتی دانستن زبان دیگری غیر از فارسی برایشان فراهم بوده است. هر دو شخصیت براساس جایگاه خانوادگی‌شان و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی که در درون خانواده داشته‌اند، از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار هستند، و این امر به وضوح در هر دو سریال به تصویر کشیده شده است.

کلیدواژه‌ها: زنان، تحلیل روایت گریماس، کنشگری اجتماعی - سیاسی، سریال‌های تاریخی، سریال «کیف انگلیسی»، سریال «بانوی سردار».

۱. **پژوهش حاضر برگرفته از:** رساله دکتری با عنوان: تحلیل جامعه‌شناسی کنشگری زنان در وقایع اجتماعی سیاسی ایران، با رویکرد تحلیل سریال‌های سیاسی (تاریخی) تلویزیون ۱۳۹۸-۱۳۵۸ است.
- استناد به این مقاله:** منقی، مریم؛ قاسمی، عاصمه؛ شاوردی، تهینه (۱۴۰۳). زنان و کنشگری اجتماعی - سیاسی: تحلیلی بر بازنمایی زنان در سریال‌های «کیف انگلیسی» و «بانوی سردار». مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۱۸(۱)، ص ۱۶۷-۱۸۷.
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰



۱. مقدمه

یکی از موضوعات قابل توجه در سده‌های اخیر، موضوع زنان، نقش و جایگاه آنان در خانواده، جامعه و سیاست است. زنان به عنوان نیمی از افراد تشکیل دهنده جوامع در مباحث مرتبط با توسعه، مورد توجه قرار می‌گیرند و در همین راستا، در دهه‌های اخیر گفتمان‌های مختلف در خصوص مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان مطرح شده است. گسترش ارتباطات جهانی، ظهور گفتمان‌های مختلف جنسیتی در عرصه جهانی و رواج فمینیست، زمینه بازاندیشی نقش و جایگاه زنان را فراهم نموده است. در این عرصه، زنان ایرانی از این بازاندیشی بی‌بهره نبوده و در مسیر تجدید حیات فکری خود گام‌های مؤثری برداشته‌اند و هر زمان که گشایش ساختاری رخ داده است، به‌مثابه عاملان اجتماعی به عرصه آمده‌اند. حضور گسترده زنان در عرصه آموزش عالی و سیر صعودی آن در دهه‌های اخیر، مصداق مهمی برای عاملیت زنان است (مرادی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۸۸). زنان ایرانی که از انقلاب مشروطه، دارای نقش فعالی در حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بودند، در روند پیروزی انقلاب اسلامی و به ثمر نشستن آن نیز نقشی بسزا ایفا کردند. این موضوع، همواره توسط امام خمینی نیز گوشزد می‌شد و مورد قدردانی قرار می‌گرفت. مشارکت زنان، در دوران هشت ساله دفاع مقدس، با حضور مستقیم در خط مقدم جبهه‌ها و پشتیبانی در پشت جبهه، غیرقابل انکار است؛ چراکه در این دوره‌های ویژه تاریخی، زمینه‌های مساعد برای افزایش مشارکت داوطلبانه آن‌ها در جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور فراهم شده بود (وحیدی، ۱۳۹۷، ص ۲). پر واضح است که در این میان یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، فراگیر کردن کنشگری سیاسی در میان مردم بوده است. مردم ایده‌آل انقلاب اسلامی کسانی هستند که با سرمشق گرفتن از اسلام ناب محمدی، در راستای اعتلای کشور در عرصه‌های مختلف، به مشارکت سیاسی اقدام می‌کنند. انقلاب اسلامی این وعده را به مردم داد که می‌توانند به جای انفعال در سیاست و آلت دست شدن، فعالانه در سیاست مشارکت نمایند. حتی امام خمینی برای تعیین نوع نظام سیاسی پس از انقلاب، رفراندوم برگزار کرد (شکوهی، ۱۳۹۸، ص ۴).

تلویزیون به عنوان یک رسانه مهم و تاثیرگذار، با بازنمایی که از جامعه دارد، هم می‌تواند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تقویت کند و هم آن‌ها را مخدوش سازد. در این میان سریال‌های تلویزیونی بیشترین تعداد مخاطب را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار و ارقام می‌توانند به نوعی اهمیت بررسی و تحلیل همه‌جانبه سریال‌های تلویزیونی را بیان کنند. یکی از قالب‌های تلویزیونی مناسب برای بازنمایی ارزش‌ها، کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی - سیاسی زنان در موقعیت‌های مختلف، سریال‌های تلویزیونی تاریخی است. بازنمایی نقش زنان در دوران‌های مختلف اجتماعی - سیاسی تاریخ، افزون‌بر آگاهی‌بخشی به نسل‌های جوان از موقعیت و جایگاه موثر زنان ایرانی در جامعه، در مقایسه با جوامع دیگر و به‌خصوص جوامع غربی نشان می‌دهد که زنان ایرانی همواره در تاریخ ایران کنشگری اجتماعی - سیاسی داشته و بسیاری از آنچه در دهه‌های



اخیر جریان‌های فمینیستی به دنبال آن بوده‌اند، از سالیان پیش در جامعه ایرانی جاری و ساری بوده است. بازنمایی زنان در سریال‌های تاریخی، میزان و چگونگی عاملیت زنان را نشان می‌دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است با تحلیل روایت، کنشگری اجتماعی - سیاسی زنان در دو سریال مهم تاریخی تلویزیون که در دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی پخش شده را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۲. پیشینه تحقیق

مرادی نژاد و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر سیاسی» به این امر می‌پردازد که زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست، استراتژی‌های متنوعی در پیش می‌گیرند. این پژوهش با رویکرد کیفی (مصاحبه‌های فردی و گروهی) و با روش تحلیل مضمون انجام شده است. براساس نتایج حاصل، چهارگونه استراتژی مقاومت جنسیتی جسورانه، بی‌عملی منتظرانه، سیاست‌ورزی زنانه (استراتژی نرم)، و عزلت‌گزینی مایوسانه به دست آمده و به دنبال آن تکثری از الگوهای عاملیت و سوژگی زنان در میدان سیاست وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که حساسیت‌های جنسیتی و کنشگری سیاسی زنان پیوند خورده و جدایی‌ناپذیرند؛ و نیز جنسیت را می‌توان به عنوان یکی از بردارهای تعیین‌کننده کنشگری سیاسی در عرصه خرد و کلان دانست.

خضری و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تاثیر رسانه‌های جمعی در بازنمایی انتقال ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی زنان»، به بررسی این مسئله پرداخت که رسانه‌ها به ویژه تلویزیون، با توجه به فضاهای جدیدی که برای کنشگری زنانه و بازنمایی ارزش‌های مدرن در اختیار زنان قرار داده است، تا چه اندازه توانسته بر ارزش‌های فرهنگی زنان تاثیرگذار باشد. با استفاده از روش ترکیبی (کمی-کیفی)، رابطه معناداری بین شبکه‌های تلویزیون داخلی و ماهواره‌های خارجی و ارزش‌های فرهنگی زنان بدست آمد.

رئسی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان»، با هدف بررسی راه‌های مطلوب تحقق مشارکت سیاسی زنان و نیز موانع آن، با استفاده از روش پیمایش و رویکرد نهادگرایی، در مصاحبه‌های کیفی با نخبگان بلوچستان نشان دادند که موانع اصلی مشارکت سیاسی، نهادهای غیررسمی همانند فرهنگ پدر/مردسالاری و باورهای سنتی است؛ اگرچه نابآوری زنان بلوچ هم این امر را تشدید می‌کند.

۳. مبانی نظری

مایرون وینر^۱ معتقد است: مشارکت سیاسی هرگونه اقدام داوطلبانه موفق یا ناموفق، دوره‌ای یا مستمر، سازمان‌یافته یا بدون سازمان، دارای روال مشروع یا نامشروع، به منظور اثرگذاری بر گزینش رهبران،

1. Mayron Viner

سیاست‌ها و اداره عمومی در سطح مختلف حکومت‌های ملی یا محلی است. ساموئل هانتینگتون و جان ویلسون تعریف ذیل را از مشارکت ارائه می‌کنند: مشارکت سیاسی فعالیت و کنشگری شهروندان غیردولتی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌های عمومی است (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۳۱). از منظر میلبرث^۲، مشارکت سیاسی کنشی است که یا بر نتایج حکومت تاثیر می‌گذارد و یا قصد اثرگذاری بر نتایج حکومت را دارد. همچنین مهرترو^۳ معتقد است، مشارکت سیاسی شامل حمایت‌ها و پشتیبانی‌های قانونی و غیرقانونی، مباحث سیاسی، پیدایش مطالبات و دیگر ارتباطاتی که با حکومت مرتبط است، می‌شود (کاوه تلاوکی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۲). مایکل راش^۴ هر نوع اقدام مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز در زمینه اصلاح و دگرگونی سازمان‌ها و نظام سیاسی را مشارکت سیاسی می‌داند (پناهی، ۱۳۸۶، ص ۸-۱۱).

بوردیو^۵ به یاری دیدگاه تلفیقی خود و خلق مفاهیم جدیدی که در خلال نظریه‌های مشهور خود به دست آورد، مفاهیم مهم و کلیدی جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان پیش از خود را جانی دوباره بخشید. وی با طرح نظریه عمل، با مناقشه‌های دوگانه‌گرایی مقابله نمود. کنش یا عملی که از یک فرد سر می‌زند، در فضایی مستقل و قائم به ذات واقع نمی‌شود، بلکه، عمل محصول آن چیزی است که بوردیو از آن به میدان^۶ و عادت‌واره^۷ یاد می‌کند. عادت‌واره با موقعیت در رابطه است و کنشگر متناسب با مقام و موقعیتی که در فضای اجتماعی دارد، در معرض تعلیمات خاصی قرار می‌گیرد و در نتیجه بسیار محتمل است افراد در معرض تجارب مشابه، قالب‌های مشترکی برای رفتار داشته باشند. بدین ترتیب، افرادی که از موقعیت مشترک در فضای اجتماعی برخوردارند، از عادت‌واره مشترک نیز برخوردارند، و این موضوع به مفهوم طبقه اجتماعی و نظام طبقاتی بسیار نزدیک است» (جمشیدی‌ها و پرستش، ۱۳۸۵، ص ۱۰-۱۴). عنصر دیگر تشکیل‌دهنده نظریه عمل، مفهوم میدان است. کلیه روابط، تعاملات و کنش‌های افراد در یک فضای اجتماعی محقق می‌شوند که بوردیو از آن به میدان/ میدان‌ها یاد می‌کند. هر فرد در طول زندگی خود، به طور همزمان ممکن است در عرصه میدان‌های مختلفی نقش‌آفرینی کند. میدان‌ها اگرچه حد و مرز و فضای فیزیکی مشخصی ندارد، ولی در عین حال واجد قاعده‌مندی و مرزبندی انتزاعی هستند. با پذیرش میدان‌ها

1. SamoelHantington&JanWilson

2. Milbrac

3. Mehrotera

4. Maickel Rash

5. Bordio

6. Field

7. Habitus



با ویژگی‌هایی که بورديو تعيين می‌کند، بسیاری از نگرش‌ها و اعمال و رفتار کنشگران و عواملان اجتماعی قابل تحلیل است. قدرت، مبارزه و نبرد، استراتژی، سلايق و گرایش‌ها، سرمایه و اشکال مختلف آن و تمایز، از واژگان بنیادی و کلیدی در شناخت صحیح مفهوم میدان می‌باشند. «میدان‌های اجتماعی در واقع میدان جنگ و نبرد است و در میدان نبرد ناگزیر برخی سلطه‌گر و برخی تحت سلطه هستند. همچنین در این میدان‌ها، موقعیت‌ها و جایگاه‌های فردی یا جمعی وجود دارد که دارندگان آن با استفاده از استراتژی‌ها، قواعد و ساختارهای قالب بر میدان برای حفظ موقعیت/موقعیت‌ها تلاش می‌کنند. میدان نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع گوناگون سرمایه به کار گرفته می‌شود. انواع سرمایه‌ای که در میدان‌های اجتماعی برای نبرد و مبارزه لازم است، شامل: سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین می‌باشد» (ریتر، ۱۳۹۳، ص ۷۰۸). بازیگران میدان‌های مختلف در اعمال و رفتاری که از آن‌ها سر می‌زند، چندان مختار و مستقل محسوب نمی‌شوند. کنش کنشگران در این میادین بر مبنای استراتژی‌هایی تعیین می‌شوند که این استراتژی‌ها واجد الزاماتی هستند. «موقعیت اجتماعی یا به تعبیری حجم سرمایه در اختیار بازیگران میدان‌های اجتماعی از عوامل تعیین‌کننده استراتژی‌ها هستند. بورديو تحلیل مارکسیستی سرمایه اقتصادی را به انواع دیگر مبادلات در فضای اجتماعی تعمیم می‌دهد. او بر این باور است که قابلیت‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین نیز به این دلیل که به قدرت خرید موقعیت‌های مختلف در درون میدان کمک می‌کنند، شکل‌هایی از سرمایه به‌شمار می‌آیند (شویره و فونتن، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها عبارت است از بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان. اغلب دانش و شناخت ما از جهان توسط رسانه‌ها تولید می‌شود، و درک ما از واقعیت، به واسطه و با میانجی‌گری روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و فیلم‌های سینمایی و... شکل می‌گیرد. ارزش‌های خبری فشارهای پرو پاگاندايي، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌کند) یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌ها (فنی و محتوایی) ارائه می‌دهند. بر این اساس، بازنمایی، عنصری محوری در ارائه تعریف از واقعیت است (Watson & Hill, 2006, p. 248).

رسانه در همه انواع و اشکال خود دارای کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی است. به موازات این تنوع کارکرد، تفاوت اثرگذاری رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف، متفاوت است. در حوزه سیاسی به واسطه گسترش سیاست در تمام جوانب زندگی بشر، می‌توان کارکردهای متنوع، با اثرگذاری متفاوت و بالایی را متصور شد. رسانه‌ها به صورت طبیعی مهم‌ترین عامل یا فاکتور سیاسی یعنی قدرت را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد (خواجه سروری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۶). از دیگر کارکردهای سیاسی رسانه، برقراری ارتباط با مخاطبان در جهت حضور در فضای سیاسی یا مشارکت سیاسی است. در نظریه برجسته‌سازی، رسانه‌ها در انتقال پیام‌ها، نوعی اولویت یا برجسته‌سازی

به وجود می‌آورند. رسانه‌ها با برجسته ساختن برخی از موضوعات می‌توانند بر «اطلاعات مردم» تاثیر بگذارند. به عبارت دیگر، رسانه‌ها گرچه نمی‌توانند تعیین کنند که مخاطبان «چطور ببینند»، اما می‌توانند تعیین کنند که «درباره چه ببینند» (شریفی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۰). کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها عبارت است از بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان که اغلب دانش و شناخت از جهان توسط رسانه‌ها تولید می‌شود و درک از واقعیت با واسطه و میانجی‌گری روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و فیلم‌های سینمایی و ... شکل می‌گیرد. میشل فوکو نیز از رسانه‌ها به عنوان مکانیسم‌هایی نام می‌برد که قدرت گفتمان از طریق آن‌ها اعمال می‌شود. او رسانه‌ها را ابزار مراقبت و کنترل دائمی می‌داند، که همانند زندان و دیگر نهادهای قدرتمند اجتماعی، کارکرد «سراسری» دارند. وی معتقد است که دانش بشر، تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای برای اعمال قدرت بر بدن افراد ایجاد می‌کند. چنانکه ویژگی‌های ظاهری بدن به افراد قدرت چانه‌زنی می‌بخشد و افراد از آن برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌نمایند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲). برنارد کوهن^۱ در مورد نظریه برجسته‌سازی معتقد است: «ممکن است بیشتر اوقات توفیق در گفتن اینکه مردم چگونه فکر کنند، نباشد، اما به طرز خیره‌کننده‌ای در گفتن اینکه راجع به چه چیز فکر کنند، موفقیت وجود دارد» (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱، ص ۳۲۸).

۴. روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحلیل روایت گریماس^۲ استفاده شده است. گریماس با قرار دادن رخدادها در عناصری کوچک‌تر، الگویی از روایت به نام ابرساختار روایت ارائه کرده است. وی سعی کرد الگوی کنشگران شش‌تایی را برای بررسی نحوه روایت ارائه کند. کنشگر، فرد یا چیزی است که عملی را انجام می‌دهد یا عملی بر او انجام می‌گیرد. روایت می‌تواند همه یا بخشی از کنشگران را داشته باشد، این مدل قانون ثابت همه داستان‌ها است، که به این شکل قرائت می‌شود: فرستنده - فاعل - کنشگر، که شخصیت اصلی را به دنبال هدف خاص مثل شیء ارزشی می‌فرستد، تا گیرنده از آن سود ببرد. در انجام این مأموریت کنشگران یاری‌دهنده فاعل را برای رسیدن به شیء ارزشی یاری می‌کنند، اما کنشگران بازدارنده در برابر او ایجاد مانع می‌کنند (مکاریک، ۱۳۹۰، ص ۱۵۲).

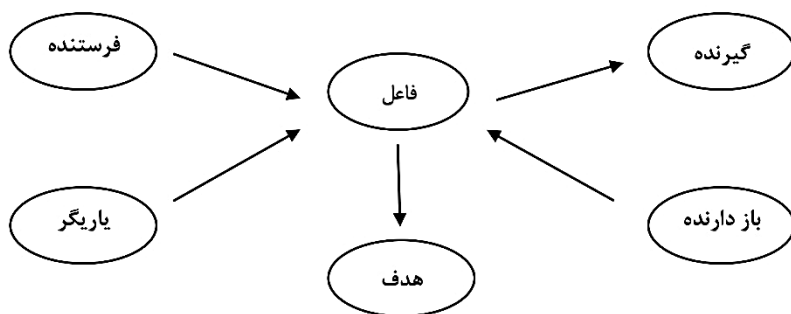
گریماس کوشیده است، تا براساس الگوی کنش‌ها اساس و قاعده ظهور رخدادها و منطق جهان داستان را بیابد، طرح او از ۶ واحد تشکیل می‌شود، که با هم مناسبات نحوی و معنایی را تشکیل می‌دهند. کنشگرها در تقابل‌های دوتایی با یکدیگر قرار دارند، که عبارتند از:

1. BernardKohen
2. Grimass



محور طلب: جستجو: فاعل + مفعول (هدف): فاعل کسی یا چیزی است که به سمت هدفی رهنمون می‌شود. رابطه میان فاعل و مفعول را اتصال می‌گویند. اگر فاعل با مفعول به پیوستگی برسد یا نرسد، وصل یا جدایی در این محور به وجود می‌آید.

محور انتقال: فرستنده + دریافت کننده: فرستنده عنصری است که برقراری اتصال میان فاعل و مفعول را پیشنهاد می‌کند. گیرنده عنصری پذیرای تلاش بوده و به زبان ساده‌تر از اتصال میان فاعل و مفعول نفع می‌برد. محور قدرت: یاری‌گر + بازدارنده (رقیب): یاری‌گر تلاش می‌کند تا فاعل و مفعول به پیوستگی مطلوب رساند، در حالی که بازدارنده مانع این اتصال است، مشارکت کننده همچنین ممکن است شخصی یا جماعتی (جامعه و گروه دوستی) باشد (فراست‌خواه، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵).



شکل ۱. الگوی کنشگر گرماس

گرماس با طرح دیدگاه خود، الگویی کنشی را مطرح می‌کند که بسیار انتزاعی بوده و باید بتواند روایت به مفهوم عام را توصیف کند. تمامی عناصر احتمالی یک روایت و انواع ترکیبات این عناصر در متون ادبی و غیرادبی را مشخص سازد، تا به یاری این الگوی کنش، عناصر و اجزای روایت، شناسایی و روابط آن‌ها با یکدیگر سنجیده شود. این امر باعث مشخص شدن هنجارها و نابهنجارهای هر روایت می‌شود. هدف گرماس آن است که با بهره‌گیری از این تحلیل به دستور زبان روایت دست یابد، که براساس آن روایت‌های مختلف بررسی و باهم مقایسه شوند، تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها با هدف بهره‌گیری بهتر و فهم بیشتر آن‌ها شناسایی شود. وجود گزاره‌ها (وضعیت‌ها)، زنجیره‌ها (پیروزی و شکست) و عناصر روایی، از جمله قهرمان و ضدقهرمان، یاری‌گر، مخالف و... از جمله موارد ذکر شده در نظریه گرماس می‌باشد (آقاخانی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۲۲).

در این پژوهش دو سریال تاریخی «کیف انگلیسی» و «بانوی سردار» پخش شده از سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتخاب شدند. دلیل انتخاب این سریال‌ها شخصیت‌های اصلی این سریال‌ها است، که آنها زنان هستند که به طرق گوناگون در امر اجتماعی سیاسی مداخله می‌کنند. سریال «کیف انگلیسی» به

کارگردانی «سید ضیاءالدین دری» در ۱۲ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای که به برهه‌ای از تاریخ معاصر، موسوم به دوران دهه طلایی آزادی می‌پردازد، و داستان شخصیت سیاست‌مدار - روشنفکری را در این دوران به تصویر می‌کشد که پس از مدتی تحصیل در کشور فرانسه اکنون به ایران بازگشته و سودای آزادی را در سر می‌پروراند. سریال دوم «بانوی سردار» ساخته پرویز شیخ طادی بوده که این مجموعه تلویزیونی نیز از تولیدات صداوسیما استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد. این سریال در ۱۲ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای تولید، و از شبکه (۳) سیما پخش شده است. این سریال برهه‌ای از تاریخ سلطنت ناصرالدین و وقایعی که در گوشه‌ای از مملکت ایران به وقوع پیوسته را به تصویر می‌کشد.

در هر سریال طبق تحلیل روایت گریماس، گزاره‌های متقابل، زنجیره‌های روایی و گزاره‌های روایی بیان می‌شود، تا بتوان به تحلیل دقیق از بازنمایی دست پیدا کرد.

بنابر درون‌مایه‌های تحقیقات کیفی و تفسیری و به ویژه روش ساختارگرایانه تحلیل روایت گریماس، اعتبار این تحقیق از طریق توافق ارزیابی متخصصان و ارزیابان هم‌تا و توصیف جامع و کامل انجام شده است.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. سریال «کیف انگلیسی»

۵-۱-۱. خلاصه داستان

منصور ادیبان (علی مصفا) نقش اصلی این سریال، که در ابتدا به عنوان روزنامه‌نگاری تحصیلکرده و روشنفکر، با کلی ایده و شعار آزادی خواهی و استقلال طلبی به عرصه مبارزه سیاسی می‌گذارد، به تدریج روند اضمحلال او آغاز می‌گردد. ادیبان که تحصیلکرده رشته حقوق در فرانسه است، پس از شکست در رقابت‌های انتخاباتی مجلس، با حمایت مستانه دختری از طبقه رجال، در انتخابات دوره بعدی مجلس پیروز می‌شود. وی تحت تاثیر مستانه با انگلیسی‌ها آشنا شده و از این رهگذر تغییرات اساسی در زندگی خصوصی و تفکرات قبلی‌اش پدید می‌آید و با تطمیع انگلیسی‌ها، وارد دادوستدهای سیاسی می‌شود و از شعارهایش فاصله می‌گیرد. گرچه در این سریال چند زن نقش قابل توجهی بازی می‌کنند، لیکن به دلیل نقش پررنگ‌تر و اصلی‌تر مستانه، در تحلیل، بازنمایی مستانه به عنوان نقش اصلی مورد توجه قرار گرفته است.

۵-۱-۲. تحلیل ساختاری

در سریال «کیف انگلیسی»، مستانه (شخصیت اصلی روایت) در پی دستیابی به پنج هدف کلی است، ۱. فرستادن شخصیتی مثل ادیبان به مجلس که به‌زعم او نماینده واقعی مردم باشد، ۲. مبارزه با مردسالاری حاکم بر بازی سیاست در ایران، ۳. دفاع از حق رأی زنان، ۴. مبارزه با سیاست مداخله‌جویانه



انگلیسی‌ها در ایران، ۵. کمک به برقراری حکومت دموکراتیک در ایران که هدف اصلی او می‌باشد. او براساس تجربه‌ای که در چند سال ماندن و تحصیل در فرانسه به دست آورده بود، در راه رسیدن به این اهداف مجبور است با عوامل گوناگون مبارزه کند و از نیروهای یاری‌گر کمک بگیرد.

تقابل دوگانه: شناسنده (فاعل): مستانه / موضوع شناسایی (مفعول): کمک به برقراری حکومت جمهوری دموکراتیک در ایران، مبارزه با زدوبندهای پشت‌پرده بهادرخان، که از طریق تقلب، در انتخابات شازده خاقانی را به مجلس می‌فرستد.

کنش‌پذیر (فرستنده): احساسات درونی مستانه نسبت به ادیبان، احساس او نسبت به کنار گذاشتن زنان در سیاست، تفکر ضد انگلیسی مستانه/ کنشگر مستانه، (گیرنده) ادیبان.

یاری‌گر: ادیبان، پوران (مادر)، پیرایش (پدر)، هوشنگ جاوید/ بازدارنده‌ها: بهادرخان، نماینده قبلی شازده خاقانی، مستر ساسان، دولت قوام.

زنجیره‌های روایی داستان سریال «کیف انگلیسی»

الف) پیرفت اجرایی (شامل زمینه‌چینی وظایف، آزمون‌ها و مبارزه‌ها): روایت سریال براساس داستان مبارزه دختری از طبقه مرفه جامعه به همراهی مردی تحصیلکرده و فرنگ رفته از طبقه متوسط جامعه، که هر دوی آنها آرزوهای بزرگ در سر دارند، است. آرزوی حکومت جمهوری دموکراتیک براساس آنچه که در دنیای به اصطلاح متمدن اروپای آن زمان شاهدش بودند، به پیش می‌رود. مستانه که شخصیت اصلی زن سریال است، در این روایت از هیچ کوشش و کمکی به ادیبان دریغ نمی‌کند. آنجا که با نامه‌ای او را دعوت به آمدن به تهران می‌کند. در نوشتن مقالاتی برای آزادی زنان، و انتقاد به دولت وقت، برای روزنامه «ایران آزاد» همراه و همگام ادیبان است. همچنین خبرهای پشت‌پرده سیاست را برای موفقیت ادیبان هر از چند گاهی در دیدارهای پنهانی در اختیار ادیبان قرار می‌دهد. به گفته خود، او نقش یک جاسوس را بازی می‌کند و حتی در راه مبارزه‌اش به دلیل نفرت شدید نسبت به انگلیسی‌ها و جهت تحت فشار قرار دادن ادیبان در راه رسیدن به اهدافشان، توسط آنها ربوده می‌شود. در زندان شکنجه شده و در راهرو زندان با ادیبان روبرو می‌شود و پس از هتک حرمت توسط راننده مستر ساسان انگلیسی، آزاد می‌شود.

ب) پیرفت میثاقی (بستن و شکستن پیمان‌ها): در ابتدای روایت، ادیبان در سخنرانی‌هایش به نوعی عهد می‌بندد و متعهد می‌شود در صورتی که به عنوان نماینده انتخاب شود، از حقوق مردم در برابر خان دفاع کند. مستانه به نوعی وقتی از ادیبان دعوت می‌کند که به تهران بیاید، برای جبران آنچه در دور قبلی انتخابات اتفاق افتاده است، تمام تلاش خود را می‌کند، که ادیبان انتخاب شود. ادیبان انتخاب می‌شود، اما برخلاف باورهای خود، مستانه، پسر دایی و حتی همسرش عمل می‌کند. او روزی در مجلس نطق آتشینی بر علیه قوام می‌کند.

زمانی دیگر، سکوت می‌کند. زمانی کیف انگلیسی را مثل همه نمایندگان دیگر دریافت می‌کند. اما پس از مدت کوتاهی برخلاف توافقی، با انگلیسی‌ها رفتار می‌کند. هر دو زندانی می‌شوند. پس از آزادی مستانه به آمریکا می‌رود. ادیبان همه باورهایش را زیر پا می‌گذارد و به نماینده‌ای کاملاً رام و مطیع تبدیل می‌شود.

(ج) پیرفت انفصالی (رفتن و بازگشتن‌ها): مستانه به همراه مادر، خان، شازده خاقانی به روستا می‌آیند. ادیبان توسط مستانه دعوت به آمدن به تهران می‌شود. بهادر خان راهی تهران می‌شود، تا برای تأیید کاندیدایش (شازده خاقانی) از عالیجناب پیرایش (پدر مستانه) کمک بگیرد. هوشنگ در رستوران به ملاقات ادیبان می‌رود. مستر ساسان پس از هر واقعه مهم سیاسی به ملاقات پیرایش می‌آید تا دستورات دولت انگلیس را به او دیکته کند. هر بار پس از این دیدار مستانه به ملاقات ادیبان می‌رود، تا آخرین خبرها را به او بدهد. چندین بار هوشنگ جاوید با مستر ساسان دیدار می‌کند. طرفداران قوام به دفتر «روزنامه ایران آزاد» حمله می‌کنند. خان و پسرش برای خواستگاری از مستانه به خانه پیرایش می‌روند. با جواب منفی مستانه به روستا برمی‌گردند. مستانه و ادیبان هر دو زندانی شده و پس از مدتی آزاد می‌شوند. مستانه به آمریکا می‌رود، پس از سال‌ها برمی‌گردد. ادیبان می‌ماند و مجدد به مجلس می‌رود، اما نه مثل دفعه پیشین.

۵-۱-۲. گزاره‌های روایی داستان سریال «کیف انگلیسی»

الف) گزاره وصفی: در این گزاره موقعیت و شخصیت زن کنشگر اصلی سریال یعنی مستانه توصیف می‌شود. او دختری یکی از خانواده‌های بسیار متمول و روشنفکر زمانه خود است. دختری بسیار زیبا با آرزوهای بلند پروازانه که خواهان یک تغییر اساسی در طرز فکر مردم جامعه خود و بخصوص مردان جامعه است. حتی در صحنه‌ای از فیلم هم خطاب به بهادر خان می‌گوید، انکار نکنید که زنان نباید در جلسه‌ای که بحث سیاست است، شرکت داشته باشند. در عین حال او بسیار باهوش و زیرک است؛ و از آنجایی که از کودکی در محیطی پر از مباحث سیاسی رشد پیدا کرده، بسیار خوب می‌تواند به تحلیل سیاست پشت پرده ایران و آنچه قرار است در آن روزهای پر آشوب در ایران اتفاق بیافتد، پردازد. از طرف دیگر، او دختری با روحیه‌ای بسیار لطیف است. در طی داستان فیلم به ادیبان علاقه‌مند شده است. از نظر تفکرات سیاسی دیدگاهی کاملاً ضد انگلیسی دارد.

ب) گزاره وجهی: با اینکه مستانه در خانواده‌ای ثروتمند با همه امکانات یک زندگی مرفه زندگی می‌کند؛ مدت‌ها در فرانسه زندگی و درس خوانده است، اما اکنون که به ایران برگشته، سودای تغییرات اجتماعی و سیاسی اساسی در حکومت و کشور را در سر دارد. او احساس تنفر شدیدی نسبت به انگلیسی‌ها دارد. گمان می‌کند اگر تلاش کند و کسی مثل ادیبان به مجلس راه پیدا نماید، می‌تواند منشاء تمام این تغییرات بشود. او حتی پدرش (پیرایش) را هم مورد انتقاد قرار می‌دهد و او را فردی سازشکار می‌خواند. در راه رسیدن



به هدفش هم دو نفر را محرم اسرار می‌داند، اول مادرش و بعد هم فردی به نام هوشنگ جاوید را که به نظر می‌رسد نقش جاسوس دوجانبه را بازی می‌کند. از سویی به ملاقات ساسان انگلیسی می‌رود و از سوی دیگر به خانه پیرایش آمد و رفت دارد.

ج) گزاره متعدی: در نهایت مستانه پس از مدت‌ها تلاش و کوشش در رساندن اطلاعات سیاسی به ادیبان، برای برنده شدن در انتخابات پس از اینکه به هدفش دست پیدا می‌کند، به همراه ادیبان به مبارزه برای ساقط کردن دولت قوام اقدام می‌کند. عملکرد او و ادیبان به مذاق انگلیسی‌ها خوش نمی‌آید. آنها قصد دارند با تطمیع ادیبان به اهداف خود برسند. وقتی موفق نمی‌شوند، با ربودن مستانه و نگهداشتن او در زندان و شکنجه‌اش باز سعی می‌کنند به ادیبان فشار بیاورند، که پس از مدتی خود ادیبان را هم دستگیر کرده در راهروی زندان آن دو را با هم روبرو می‌کنند. وقتی مستانه آزاد می‌شود، بر اثر فشارهای شدید روحی به همراه مادر و هوشنگ جاوید برای مدتی راهی آمریکا می‌شود. ادیبان نیز به سیاستمداری منزوی، آرام و منفعل تبدیل می‌شود.

جدول ۱. تقابل‌های دوگانه سریال «کیف انگلیسی»

محورها	طلب/جستجو	هدف/مفعول	قدرت	انتقال	گيرنده/ذینفع
پی‌رفت	فاعل	مستانه	بازدارنده	فرستنده	یاری‌گر
جلوگیری از تقلب در انتخابات/کمک به راه یافتن ادیبان به مجلس	مستانه	مبارزه با نفوذ انگلیس در ایران/آرزوی ایجاد دموکراسی در ایران/باز شدن راه نفوذ و دخالت زنان در سیاست ایران/آرزوی اعتلای ایران	بهدادر خان/نماینده اسبق شازده خاقانی/مستر ساسان/دولت قوام	احساسات درونی مستانه نسبت به ادیبان، /تفکر نسبت به کنار گذاشتن زنان در سیاست، /تفکر ضد انگلیسی مستانه	ادیبان/هوشنگ پوران(مادر)/ پیرایش(پدر)

۱-۲-۳. زمینه و بسترهای تاریخی وقوع روایت براساس وقایع پیش آمده که سریال به بازنمایی آن می‌پردازد

بی‌تردید سلطنت رضا شاه نسبت به دوران قاجار یادآور پیشرفت‌های شایان توجهی است که زنان در حیات عمومی خود داشته‌اند؛ زیرا در حوزه مربوط به امور زنان نیز شاهد تغییرات چشمگیری هستیم، که همانا

تحت تاثیر برداشت‌های سطحی یا شبه مدرنیسمی از نظام های غربی است. می توان گفت که این پیشرفت‌ها بیشتر در میان زنان طبقات بالا و متوسط تحقق یافت. اما زنان ایرانی رهایی از اجبارهای تحمیل شده از سوی هنجارها و ارزش‌های سنتی را تجربه کردند. همچنین فرصت‌های بسیاری برای اشتغال در مشاغل جدید مانند پرستاری، آموزگاری و کار در کارخانه‌ها را کسب کردند (عباسی و موسوی، ۱۳۹۳، ص ۶). سیاست رسمی این بود که زنان ایران باید خود را با انتظارات نظم جدید پهلوی تطبیق دهند، و آماده کنند. آنها می‌بایست در تعلیم و تربیت، لباس پوشیدن و فعالیت‌های اجتماعی از خواهران غربی خود پیروی کنند (آوری، ۱۳۸۸، ص ۳۷). به همین منظور اقدام برای بهبود وضعیت زنان، در سال ۱۳۱۳، بلافاصله پس از دیدار رضاشاه از ترکیه، که در آنجا نیز مصطفی کمال به اقدام مشابهی دست زده بود، آغاز شد. موسسات آموزشی، به ویژه دانشگاه تهران، درهای خود را به روی دختران و پسران باز کردند. اماکن عمومی مانند سینماها، کافه‌ها و هتل‌ها در صورت تبعیض قائل شدن بین زن و مرد می‌بایست جریمه‌های سنگین پرداخت کنند. سازمان‌های فرهنگی که در نهایت در زیرمجموعه کانون دولتی به نام «کانون بانوان» فعالیت کردند و در ابتدا جانشین انجمن زنان وطن پرست و حزب سوسیالیست شده بودند، دوباره به فعالیت پرداختند. مهم‌تر از همه این تغییرات، رضاشاه همچنین دستور کشف حجاب و ممنوع شدن استفاده از چادر را صادر کرد (همان، ص ۳۸). هرچند آموزش زنان به ارتقای منزلت آنان در جامعه کمک زیادی کرد و باعث ترفیع موقعیت آنان از منظر آگاهی‌های اجتماعی و آموزشی شد، اما این مورد شامل طیف محدودی از زنان جامعه بود و اکثر این قشر، متأسفانه در بی‌سوادی و ناآگاهی به سر می‌بردند. طبق اولین آمارگیری رسمی در سال ۱۳۳۵ فقط ۸ درصد زنان کل کشور باسواد اعلام شدند (طغرانگار، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴).

۵-۲. بانوی سردار

۵-۲-۱. خلاصه داستان

بانوی سردار بخشی زندگی بی‌بی مریم ملقب به سردار مریم را روایت می‌کند. بی‌بی مریم بختیاری خواهر علیقلی خان سردار اسعد و فرزند حسینقلی خان است. فرزند او علیمردان خان هم از مبارزان این دوره تاریخی بوده است. بی‌بی مریم با ایستادگی مقابل ظلم خوانین این منطقه، بین مردم محبوبیت زیادی پیدا کرد و باعث وحدت بخشیدن بین اقوام مختلف لر و ایستادگی مقابل نیروهای انگلیسی که از حمایت حکومت مرکزی برخوردار بودند، شد. داستان سریال در واقع از زبان روایت‌کننده‌ای به نام بی‌بی مریم است، یکی از بزرگ‌ترین زنان ایل بختیاری که مقاومت‌ها و کنشگری‌های سیاسی بسیاری در مقابل انگلیسی‌ها و عوامل حکومتی قاجار داشته و به یکی از نمادهای مقاومت و ایستادگی در مقابل ظلم و ستم در میان بختیاری‌ها تبدیل شده است.



۵-۲-۲. تقابل دوگانه

شناسنده (فاعل): بی بی مریم/ مفعول: ایستادگی و مقاومت در مقابل مردم داخل قلعه، حاکم محلی دست‌نشانده، سربازان حکومت مرکزی، فرمانده و سربازان انگلیسی که به آزار و اذیت روستاییان و غارت آن‌ها می‌پرداختند.

فرستنده (کنش‌پذیر): احساس عشق به وطن و مردم که از کودکی توسط پدر که او نیز از سرداران بزرگ بختیاری بوده در او ایجاد شده است/ گیرنده (کنش‌گیر): مردم درون قلعه و روستاییان ستم‌دیده بیرون قلعه. یاریگر: اسفندیارخان و همسرش آسیه، مردان درون قلعه که اکنون با او همراه شده‌اند، فرزندش علیمردان‌خان/ بازدارنده: خان‌های محلی که توسط خود بی بی مریم منصوب شده بودند، سربازان و نظامیان حکومت مرکزی، نظامیان و سربازان انگلیسی، سربازان ظل‌السلطان حاکم اصفهان.

۵-۲-۳. زنجیره‌های روایی سریال «بی بی مریم»

الف) پیرفت اجرایی (شامل زمینه‌چینی وظایف، آزمون‌ها و مبارزه‌ها است): خاطراتی که بی بی سردار از پدرش (علیقلی خان سردار اسعد بختیاری) در ذهن دارد. همسری که خان قلعه بوده و حالا او را با فرزندش علیمردان خان تنها گذاشته و به دربار رفته است. فکر سروسامان دادن به اوضاع داخل قلعه، مردان و زنانی که بدلیل زن بودن او قصد نافرمانی دارند. بایار جوانی که او را مثل فرزند خود می‌داند، اما در اثر قولی که سال‌ها پیش به مادر بایار داده، مجبور است حقیقت را از بایار مخفی کند و حالا در اثر اطلاعات غیرواقعی، بایار سخت با او دشمنی می‌ورزد. در نهایت او مردان داخل قلعه را به اطاعت مجبور می‌کند. خان‌های روستاهای اطراف را برکنار و خان‌های جدید را بر مسند کار می‌گذارد. به مبارزه با دست‌نشانده حکومت مرکزی ظل‌السلطان که بر مردم روستاها ظلم و ستم می‌کند، می‌پردازد. مبارزاتی با سربازان و امرای ارتش انگلیس که در پی یافتن نفت به روستاها آمده‌اند و پیوسته مردمان را یا می‌کشند و یا غارت می‌کنند، نیز دارد.

ب) پیرفت میثاقی (بستن و شکستن پیمان): عهدی که سال‌ها پیش بی بی مریم با مادر بایار بسته است، که هیچ‌گاه به او نگوید که چطور فرزند شیرخواره‌اش را در زمستان سخت با خود به بیرون قلعه برده است. بایار توسط بی بی مریم نجات پیدا می‌کند، اما به مادر بایار قول می‌دهد که هیچ‌گاه حقیقت را به بایار نگوید. خان‌هایی که به مردم روستاها بسیار ظلم و ستم کرده بودند. بی بی مریم آنها را برکنار می‌کند، و به مجازات می‌رساند. کسانی را به انتخاب خود مردم جانشین آنها می‌کند، اما از آنها می‌خواهد که به قرآن قسم بخورند و تعهد دهند که نسبت به مردم امین جان و مال و ناموس آنها باشند، اما آنها نیز دوباره پیمان می‌شکنند. خبر به بی بی می‌رسد. او خود برای تحقیق می‌رود و پس از ثابت شدن موضوع، خان‌ها را دستگیر و به جهت نقض پیمان، همه آن‌ها را مجازات می‌کند. نماینده ظل‌السلطان و حکومت مرکزی با هدایایی به همراه کتاب‌های نفیس تاریخی و یک شیخ درباری برای فریفتن بی بی مریم و تقاضای همراهی با حکومت، به قلعه می‌آیند.

حتی شیخ تقاضای ازدواج به او می‌دهد و خواهان بستن معاهده‌ای می‌شود که بی‌بی مریم تنها به امورات داخل قلعه پردازد و بیرون قلعه را به آنها بسپارد، که بی‌بی مریم از بستن این معاهده سر باز می‌زند.

ج) پیرفت انفصالی (رفتن‌ها و بازگشتن‌ها): در ابتدای داستان بی‌بی مریم برای صحبت و گرفتن قوت قلب بعد از اینکه همسرش قلعه را ترک کرده است، به سوی قلعه مادر جهت مشورت می‌رود که در راه برگشت توسط راهزنان طی نقشه‌ای مزدورانه غارت می‌شود. همه اموالی که توسط مادر به او داده شده، غارت می‌شود. در دشت به همراه دو فرزندش رها می‌گردد. اما توسط برادر پیدا شده، دوباره به قلعه مادر بازگردانده می‌شود. سپس راهی قلعه خود می‌گردد. خبرهایی از آتش گرفتن آذوقه روستاهای اطراف و حمله نیروهای انگلیسی به قلعه می‌رسد. بی‌بی مریم راهی نبرد با آنها می‌شود. مجدداً خبر می‌رسد والیانی که مردم انتخاب کرده‌اند و او حکم به آن‌ها داده، قسم قرآن خود را زیر پا گذاشته و همه تعهدات خود را نادیده گرفته و شدیداً به مردم ظلم و ستم روا می‌دارند. برای پی بردن به واقعیت، با لباس مبدل به همراه چند تن از افرادش، برای سرکشی به آنجا می‌رود. زمانی که صحت همه گفته‌ها برایش آشکار می‌شود، والیان را دستگیر و با خود به قلعه می‌آورد. دستور مجازات همه آن‌ها را می‌دهد. دوباره عازم جنگ با نیروهای انگلیسی در بیرون قلعه است، که توسط بایار با تیری که از اسلحه‌اش شلیک می‌کند، زخمی می‌شود و در بستر بیماری می‌افتد. اما نیروهایش به نبرد می‌روند.

۵-۲-۴. گزاره‌های روایی سریال «بی‌بی مریم»

الف) گزاره وصفی: در این گزاره موقعیت و شخصیت زن کنشگر اصلی سریال یعنی بی‌بی مریم بختیاری توصیف می‌شود. او زنی از اقوام لر و از ایل بختیاری است. چهره‌ای راسخ، مصمم، و در عین حال مهربان دارد، می‌توان گفت شخصیت او جمع اضداد است. از یک طرف با کودکان مهربان است، و با آن‌ها همبازی می‌شود؛ در عین حال معلمی دلسوز برای آن‌ها بوده که اخلاق، تاریخ و جغرافیای این مرز و بوم را به آن‌ها می‌آموزد. تحصیلکرده و بسیار باهوش است. فنون رزم را می‌داند. تیراندازی را از پدرش که از بزرگان قوم بختیاری بوده، اما توسط حکومت کشته شده، یاد گرفته است. مادری بسیار مهربان و در عین حال سختگیر و باجذب‌ه برای فرزندانش و فرزند خوانده‌اش می‌باشد. در مقابل ظلم و ستم از طرف هرکس که می‌خواهد باشد، بر مردمان این سرزمین کوتاه نمی‌آید. عشق بسیار زیاد و عمیقی نسبت به سرزمینش دارد. خواهان آسایش و آرامش مردم است. بی‌بی مریم تمام عمرش را با نیروهای حکومت مرکزی، با نیروهای انگلیسی که پس از کشف نفت به آنجا لشکرکشی کرده بودند، و یا با والیان خیانتکاری که مردم روستاها را مورد ظلم و ستم قرار می‌دادند، در حال مبارزه بوده است. در عین حال خواهان پیشرفت مملکتش هم هست. زنی مستقل با اراده‌ای آهنین است.

ب) گزاره وجهی: بی‌بی مریم زنی از خانواده خان‌های ایل بختیاری است که می‌تواند زندگی بسیار راحت و به دور از دغدغه‌ای داشته باشد. در صحنه‌های مختلف داستان شاهد آن هستیم که مادرش به او پیشنهاد



می‌کند در قلعه او بماند و به قلعه‌اش بازنگردد. پس از حمله راهزنان و غارت اموالش، زمانی که با خطر مرگ خودش و فرزندانش روبرو بود، و در معرض حمله گرگ‌ها قرار گرفتند، برادرش به او پیشنهاد می‌کند که در قلعه او بماند، اما او این پیشنهاد را رد می‌کند. با وجود همه نامهربانی‌های مردان درون قلعه در ابتدای کار و از جمله بایار فرزند خوانده‌اش، باز هم مقاومت و ایستادگی می‌کند و با همراه کردن مردمان درون قلعه، به مبارزه‌ای سخت با همه دشمنان این آب و خاک می‌پردازد.

ج) گزاره متعدی: از آنجایی که داستان زندگی بی‌بی مریم و مبارزات او همچنان تا زمان مرگ او ادامه دارد، این سریال تنها به بخشی از مبارزات و گوشه‌ای از زندگی او پرداخته است. وقتی برای مبارزه و جنگ با نیروهای حکومتی با نیروهایش عازم می‌شود، توسط بایار به او تیراندازی می‌گردد. از اسب بر زمین می‌افتد، افراد قلعه به جان بایار می‌افتند و او را به شدت با مشت و لگد می‌زنند. بی‌بی مریم با وجودی که در حال بیهوش شدن است، از پسرش می‌خواهد که به آنها بگوید او را نزنند. البته بعد از اینکه تیر از سینه‌اش بیرون آورده می‌شود، بستری می‌شود و بهبود می‌یابد، باز هم سفارش می‌کند کاری به بایار نداشته باشند. همزمان با این واقعه، خاله و شوهرخاله بایار توسط اسفندیارخان به قلعه آورده می‌شوند، تا اصل ماجرا و واقعیت برای بایار گفته شود و در آخر زمانی که بی‌بی مریم به زندان بایار می‌آید و وضعیت او را می‌بیند، بر زمین می‌افتد و بسیار از وضع اسفبار بایار ناراحت می‌شود، اما بایار خجالت‌زده و پشیمان خود را به بی‌بی مریم رسانده، در حالی که اشک می‌ریزد، سر بر دامن بی‌بی می‌گذارد.

جدول ۲. تقابل‌های دوگانه سریال «بی‌بی مریم»

محورها	طلب/جستجو	قدرت	انتقال	پی‌رفت
بی‌رفت	فاعل	بازدارنده	فرستنده	گیرنده/ذی‌نفع
درون قلعه: سربراه کردن بایار/وادار کردن مردان و زنان درون قلعه به اطاعت از خود	بی‌بی مریم	دور نگهداشتن بایار از خطر و آسیب‌در/ امان بودن مردم درون قلعه از خطرات بیرون/ ایجاد وحدت بین افراد قلعه/	عهد با مادر بایار/ مسئولیت‌پذیری و نگرانی نسبت به امورات مردم	بی‌بی مریم بایار مردم درون قلعه
		سهراب خان/ راهزنان/ پلنگ خان و.../ نیروهای ظل‌السلطان/ نیروهای حکومتی/ انگلیسی‌ها	اسیه/ علیمردان/ مرحله دوم اسفندیارخان/	

۵-۲-۵. زمینه و بسترهای تاریخی وقوع روایت براساس وقایع پیش آمده که سریال به بازنمایی آن می‌پردازد بانوی سردار: این روایت به وقایع زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار می‌پردازد. دوران قاجار عصر آشنایی ایرانیان با تمدن غربی و آگاهی به عقب‌ماندگی تاریخی ایران بود. جبران این عقب‌ماندگی در قالب سه مرحله از اصلاحات آغاز شد: اصلاحات نظامی، اصلاحات دیوانسالاری. مصلحان اجتماعی برای پیاده کردن آن نیاز به حمایت طبقه حاکمه و شخص شاه داشتند. پس، آن‌ها اقدام به طراحی سفرهای طولانی مدت شاه به غرب کردند. در برنامه سفر شاه، دیدارها و بازدید از مکان‌هایی مانند کارخانه‌ها، مدارس دخترانه، تماشاخانه‌ها، و محیط‌های عمومی را گنجانده، تا شاه ضمن دیدار از این اماکن، با وضعیت زنان غربی و مشارکت آنان در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و عمومی جامعه آشنا شود. همچنین حاکمیت قانون در پاسداری از حقوق و آزادی‌های زنان را نظاره کند و به استقرار نظامی مشابه در جامعه ایران مایل و راغب گردد (ناظم و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴). در دوران پادشاهی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، دخالت زنان در امور سیاسی زیاد بود که به علت نرزش پادشاه، علاقه به زنان و نیز گسترش حرمسرا، این امر امکان‌پذیر شده بود. در زمان سلطنت این دو پادشاه، تا حد زیادی زندگی سیاسی آنان متأثر از زندگی خصوصی آنان بود. ناصرالدین شاه در برخی مواقع تا هفته‌ها از حرم‌خانه بیرون نمی‌آمد. از این‌رو دخالت زنان در امور سیاسی کشور امری گریزناپذیر بود (دلریش، ۱۳۷۵، ص ۲۱۶).

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی بازنمایی کنشگری اجتماعی سیاسی زنان در دو سریال تاریخی «کیف انگلیسی» و «بانوی سردار» انجام شد. با روش تحلیل روایت گریماس تقابل‌های دوگانه روایت، زنجیره‌های روایی و گزاره‌های روایت بررسی شد و براساس آن نوع کنشگری اجتماعی - سیاسی شخصیت اصلی زن در سریال مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. براساس نظریه بوردیو، «مستانه» در سریال «کیف انگلیسی» و «بی بی مریم» در سریال «بانوی سردار»، تحت تاثیر میدان یا به زبانی دیگر ساختارهای مسلط فرهنگی و اجتماعی جامعه قرار دارند، اگرچه هر دوی آنها سعی دارند با تلاش فراوان بر این ساختارها فائق آیند. هر دو شخصیت عاملیت در مبارزه با بی‌عدالتی اجتماعی سیاسی دارند. هر دو از پایگاه اجتماعی مقبولی برخوردار هستند. مستانه در فیلم «کیف انگلیسی» زن ایرانی تحصیلکرده با افکار روشنفکری و به دنبال دموکراسی است و بی بی مریم در فیلم «بانوی سردار» زن سنتی روشنفکر که در شناخت دشمن داخلی و بیگانگان از بسیاری از مردم جامعه و حتی مردان روزگار خود جلوتر است.

مستانه در صحنه‌هایی از سریال با ساختار مردسالارانه و سنتی جامعه ایران به مبارزه می‌پردازد. در حالی که آرزوی حکومتی دموکراسی به سبک کشور فرانسه را در سر می‌پروراند. او که تحصیلکرده فرانسه



است، با تفکر فمینیستی سودای مبارزه با حکومت استعماری انگلیس و مبارزه با حکومت دست‌نشانده انگلیسی‌ها را در سر دارد. این کار به ثمر نمی‌رسد، اما با حضور منصور ادیبان در مجلس، در نهایت این کار انجام می‌شود، اما خود مستانه به عنوان عاملیت قربانی ساختار شده و خشونت نمادین به همراه خشونت جنسی توسط عامل انگلیسی‌ها (مستر ساسان) بر او اعمال می‌شود. در این مرحله او در حالی که تمام نیروی کنشگر خویش را از دست داده است، دیگر توان مبارزه با نظام را ندارد. برای مدتی از کشور خارج می‌شود، زمانی که برمی‌گردد، ناامید از همه آنچه که برایش آرزو بود، در روزمرگی خود به همراه رنگ و بوی انگلیسی فرومی‌رود. مستانه در سریال «کیف انگلیسی» زنی را بازنمایی می‌کند که احساس بیگانگی با داشته‌های خانواده اشرافی که در آن رشد یافته است، دارد؛ با فزون‌طلبی انگلیسی‌ها در ایران مبارزه می‌کند؛ روزنامه را برای گفتن حقایق و رسیدن به هدف مهم می‌داند، افکار فمینیستی دارد، تلاش همه‌جانبه برای مبارزه قاطع با خان‌زدگی در جامعه روستایی ایران دارد.

بی‌بی مریم در سریال بانوی سردار براساس دستگاه نظری بوردیو در چهار جبهه با ساختارهای مسلط حاکم بر جامعه خود (میدان) به مبارزه می‌پردازد. این ساختارها به صورت زنجیرهای درهم تنیده در حالی که یکدیگر را حمایت می‌کنند، شکل گرفته‌اند، که عاملیت بی‌بی مریم را به سختی به چالش کشیده، و به ناچار کار مبارزه را بسیار سخت‌تر می‌کنند. خان‌های محلی، حکومت دست‌نشانده مرکز، نیروهای بیگانه انگلیسی، نظام مردسالار قلعه، همه ساختارهای مسلط جامعه بی‌بی مریم هستند. از آنجایی که او یک زن است و زن نمی‌تواند خان باشد، حال که همسرش قلعه را ترک کرده، او نمی‌تواند خان قلعه باشد و حق تسلط بر مردان را ندارد. او سعی دارد با تسلط بر میدان کنشگر، غالب باشد. از سویی مردان قلعه را وادار به اطاعت می‌کند، از طرف دیگر، با بسیج نیروها و درافتادن با حاکم اصفهان (ظل السلطان) او را از ظلمی که بر مردمان روستاهای اطراف رومی‌دارد، بازمی‌دارد. او با نفوذ در میان نیروهای انگلیسی به همراه نیروهایش بساط ظلم آنها را برمی‌چیند. برخلاف مستانه، بی‌بی مریم عاملیتی دارد که توانسته بر ساختارهای مسلط چیره شود. او با برکنار کردن حاکمان محلی روستاها و به کار گماشتن حاکمان جدید، از آنها تعهد می‌گیرد که هرگز ظلم بر مردم روا ندارند و در مقابل سرپیچی آن‌ها، ایشان را به سزای اعمالشان می‌رساند. سریال «بانوی سردار» نشان می‌دهد که بی‌بی مریم زنی است که با کنشگری اجتماعی - سیاسی خود بر ایجاد همبستگی اجتماعی در میان افراد جامعه، برقراری عدالت اجتماعی، مجازات افراد خیانتکار و گماشتن افرادی که طرفدار حق مردم باشند، استفاده از شعائر مذهبی برای وادار کردن مردم به دفاع از خود و خانواده، تقسیم اموال در میان مستمندان برای ایجاد حس برابری و عدالت اجتماعی، شور و مشورت موثر با افرادی که هر کدام در زمینه‌ای تبحر دارند برای رویارویی با دشمن، حمایت و سازماندهی سالخورده‌گان و کودکان در هنگام جنگ برای در امان ماندن آنها، تلاش می‌کند.

با توجه به موضوع تبدیل سرمایه‌های فرهنگی به انواع دیگر سرمایه و مخصوصاً سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بورديو، هم مستانه و هم بی‌بی مریم از آنجایی که در خانواده‌هایی از طبقات بالای اجتماعی به دنیا آمده و رشد پیدا کرده‌اند، امکانات آموزشی و مهارت‌های مختلف داشته و یادگیری علوم زمان خودشان و حتی دانستن زبان دیگری غیر از فارسی برایشان فراهم بوده است. هر دو شخصیت براساس جایگاه خانوادگی‌شان و سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی که در درون خانواده داشته‌اند، از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار هستند. از نظریات مرتبط با بحث رسانه، نظریه برجسته‌سازی است، در هر دو این سریال‌ها، اگرچه سعی بر این است که نقش پررنگ زنان به عنوان کنشگر سیاسی، در قالب فعالیت‌های گوناگون و متنوع بسیاری برجسته نمایش داده شود، اما همچنان این مردان هستند که امر سیاست را به پیش می‌برند. انگار در زوایای پنهان سیاستمداری، بدون حضور مردان کاری انجام نمی‌شود. اگر مستانه برای فعالیت در صحنه سیاست تلاش می‌کند، کوشش او برای به مجلس رفتن ادیبان است. اگر بی‌بی مریم مبارزه می‌کند، انگار ابتدا باید زن بودن خود را در قالب مردانه بودن به افراد داخل قلعه ثابت کند، تا برای اطاعت کردن دلیلی داشته باشند. در هر دو سریال شخصیت‌های اصلی کنشگر سیاسی زن هستند، اما نظام حاکم بر جامعه سنتی ایران نقش‌های سیاست مردانه را برجسته‌تر به تصویر می‌کشد. بی‌گمان سریال‌های تاریخی تلویزیون در بسیاری از موارد می‌توانند به ارائه تفکرات و الگوهای عمل و نشان دادن امور واقعی به مردمان یک جامعه موثر باشند. ملتی خوشبخت است که از وقایع تاریخی عبرت بگیرد؛ پلیدی‌ها، زشتی‌ها و بدی‌ها را هرگز به کار نبرد؛ زیبایی‌ها و خوبی‌های تاریخ را سرلوحه عمل خود قرار دهد.



منابع

- آوری، پیتز (۱۳۸۸). تاریخ ایران دوره پهلوی (از رضاشاه تا انقلاب اسلامی). در: مجموعه تاریخ کمبریج. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات جامی، دفتر ۲ از جلد ۷.
- آقاخانی بیژنی، محمود؛ صادقی، اسماعیل؛ صفری، جهانگیر (۱۳۹۳). تحلیل چند مولفه پایداری در آثار شاعران پایداری (دعوت به جهاد، ستایش آزادی، مهدویت و پیروزی و...). ادبیات پایداری، ۵(۱۰).
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ پرستش، شهرام (۱۳۸۵). دیالکتیک منش و میدان در نظریه عمل پی‌یر بوردیو. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
- خضری، زهرا؛ شاوردی، تهمنه؛ قاسمی، عاصمه (۱۴۰۰). تاثیر تماشای تلویزیون بر ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی زنان ساکن مهاباد. رسانه‌های دیداری و شنیداری، ۱۵(۳)، ص ۶۷-۳۳.
- خواجه سروری، غلامرضا؛ سهراب‌زاده، عباس (۱۳۹۶). رسانه و شخصیت‌زدایی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶(۵۲).
- دلریش، بشری (۱۳۷۵). زنان در دوره قاجار. تهران: انتشارات سوره.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). نظریه جامعه‌شناسی. ترجمه هوشنگ نائی. تهران: نشر نی.
- رئیس، سیما (۱۳۹۹). موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان منطقه بلوچستان. زن در توسعه و سیاست، ۸(۲).
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: دانشگاه تهران.
- شریفی، زینب و همکاران (۱۳۹۷). تحلیل محتوای گزارش‌های زیست محیطی در مطبوعات ایران. مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۱۹(۴۱).
- شکوهری، شاهین (۱۳۹۸). مطالعه جامعه‌شناختی کنشگری سیاسی. رساله دکتری جامعه‌شناسی. تهران: دانشگاه شاهد.
- شویره، کریستیان؛ فوتتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- طغرانگار، حسن (۱۳۸۳). حقوق سیاسی - اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران. تهران: مرکز انتشارات اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، سمیه؛ موسوی، منصور (۱۳۹۳). نگاهی به موقعیت زنان ایران در دوره پهلوی از ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۲. پژوهشنامه زنان، ۱۵(۱)، ص ۵۹-۸۲.
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی با تاکید بر گراند‌تئوری GT (نظریه برپایه). تهران: انتشارات آگاه.
- کاوه تلاوکی، مسعود و همکاران (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی مشارکت سیاسی زنان در دوران مشروطیت، پهلوی و جمهوری اسلامی. مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۵(۱۶)، ص ۱۰۷-۱۲۲.
- محمدی، سارا (۱۳۹۹). ارزیابی و آسیب‌شناسی کنشگری تشکل‌های سیاسی زنان در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- مرادی‌نژاد، زینب و همکاران (۱۴۰۱). استراتژی‌های زنان ایرانی جهت ورود به عرصه سیاست و مواجهه با امر سیاسی. زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ص ۲۸۷-۳۱۴.

مک کاریک، ایرناریما (۱۳۹۰). دانشنامه نظریه‌های ادبی. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه، ج ۴. مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۹). نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری، چاپ هشتم.

ناظم، ریحانه؛ فاضل‌پور، طوبی (۱۳۹۹). زنان و برنامه تجدد عصر ناصری. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۱۰(۱)، ص ۲۲۶-۲۹۹

وحیدی، الهام (۱۳۹۷). الگویابی مشارکت سیاسی زنان در ایران. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

Watson, J. & Hill, A. (2006). *Dictionary of Media and Communication Studies*. 7th ed. Hodder Arnold Publication.